بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم - 2 /آبان/ 1389

بسم‌اللّه‌الرّحمن‌الرّحیم
و الحمد للّه ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی اله الأطیبین الأطهرین المنتجبین المعصومین سیّما بقیّةاللّه فی الأرضین. السّلام علیك یا سیّدتی و یا مولاتی یا فاطمة المعصومة یا بنت موسی‌بن‌جعفر سلام اللّه و سلام ملائكته و عباده المنتجبین علیك و علی ابائك المطهّرین.
جمع بسیجیان عزیز، دلهای گرم، بامعرفت، اراده‌های استوار و عزمهای راسخ در این مركز مقدس، در حضور روح مطهر بانوی بزرگوار و معصوم - دختر موسی‌بن‌جعفر - خود یك شاخص، یك علامت و یك پرچم برای نشان دادن عظمت و رو به پیشرفت بودن نظام اسلامی است.
اگر ما برای زنده بودن، فعال بودن، بااراده بودن، هدف‌دار بودن، رو به جلو بودن این نظام هیچ دلیل دیگری نمیداشتیم جز حضور میلیونها جوان پرشور مؤمن صادقِ بابصیرت در سراسر كشور زیر عنوان بسیج، همین كافی بود برای اینكه نشان بدهد این نظام و این حركت عظیم ملت ایران در برابر پیچیده‌ترین توطئه‌ها و خطرناك‌ترین حركتهای دشمن آسیب‌ناپذیر است. البته این شعار نیست ؛ یك حرف متكی به استدلال منطقی است.
بسیج یكی از آیات قدرت الهی است كه خدای متعال به آن بنده‌ی صالح، به آن مرد بزرگ، به آن شخصیت كم‌نظیر یا بی‌نظیر تاریخ اسلام بعد از ائمه (علیهم‌السّلام) عطا كرد. فكر پردازش بسیج عمومی، بسیج مستضعفین كه امام بزرگوار آن را مطرح كرد و عمل كرد و با همه‌ی توان پشت سر این فكر ایستاد، این نهال را آبیاری كرد تا تبدیل شد به شجره‌ی طیبه‌ای كه «تؤتی اكلها كلّ حین باذن ربّها»، (1) یكی از الطاف الهی نسبت به آن مرد بزرگ و آن بنده‌ی صالح و آن عبد خاشع پروردگار بود. چشم بابصیرت امام این نشانه‌های قدرت و اعانت الهی را میدید. عیب ماها این است كه گاهی كمكهای الهی را لمس میكنیم، اما آنها را درست نمی‌بینیم ؛ تشخیص نمیدهیم كه این چه كمك بزرگی است كه خدا دارد به ما میكند ؛ اما او میدید.
در یك قضیه‌ای كه من مكرر این را نقل كردم، ایشان به من فرمود كه از اول انقلاب تا امروز - آن روز حدود سال 1365 بود - همه جا دست قدرتی را مشاهده میكنیم كه دارد ما را كمك میكند و جلو میبرد. او این دست قدرت را میدید. نگاه امام به ملت ایران با نگاه دیگران فرق داشت. همان روز اگر میخواستیم قضاوت بسیاری از نخبگان علمیِ دینی و غیر دینی و سیاسی و غیره را درباره‌ی ملت ایران مشاهده كنیم، میدیدم قضاوتها قضاوتهای عجیب و غریبی است. بعضی این ملت را باایمان نمیدانستند، بعضی دارای صداقت نمیدانستند، بعضی به نیرو و به وفای آنها شك میكردند - كه ما اینها را شنیدیم، از خیلی‌ها شنیدیم - اما امام در سال 1341 در همین شهر قم، آن وقتی كه هنوز هیچ خبری از این اجتماعات عظیم نبود، در همین مسجد اعظم گفت اگر ما به مردم فراخوان بدهیم، این صحرای قم را از جمعیت پر میكنند ؛ لبیك میگویند. نگاه او به مردم، یك چنین نگاهی بود ؛ مردم را شناخت. آن عنصر باارزشِ اكسیرگونه‌ای كه مسها را طلا میكند، این را در جان و دل مردم كشف كرد و آن را به كار گرفت. لذا با این موانع بزرگی كه در سر راه وجود داشت، انقلاب پیروز شد. هیچ تحلیلگری باور نمیكرد كه این اتفاق در اینجا بیفتد. او تكیه‌ی به خدا كرد، توكل به خدا كرد، وارد عمل شد، با دل مردم تماس برقرار كرد و مردم به صحنه آمدند و این حركت عظیم اتفاق افتاد ؛ بعد هم مسئله‌ی بسیج را مطرح كرد.
شما میوه‌های شیرین و كامبخش آن درخت طیب و طاهری هستید كه امام بزرگوار با دست خود در این زمین غرس كرد. این ثمردهی همچنان ادامه خواهد داشت ؛ همچنان كه فرمود: «ا لم تر كیف ضرب اللّه مثلا كلمة طیّبة كشجرة طیّبة اصلها ثابت و فرعها فی السّماء. تؤتی اكلها كلّ حین باذن ربّها». (2) وقتی سرزمین مستعد و آماده است، بذر پاكیزه است، آن گیاه و روئیدنی تمام‌شدنی نیست ؛ یعنی هیچ عاملی نمیتواند به آن صدمه بزند. بسیج، یك چنین درخت طیب و طاهری است.
بسیج امتحانهای زیادی هم داده است. در دوران جنگ تحمیلی، نسل جوانانِ قبل از شما كارهای بزرگی در میدان

جنگ کردند. ما شکفتن گلهای معطر استعداد را در وجود این جوانها دیدیم. جوان بیست و دو ساله، بیست و سه ساله، مثل یك فرمانده متبحر و کارآزموده عده‌ها را جمع میکرد، راهنمائی میکرد، هدایت میکرد، در جای خود به کار میگرفت و پیروز میشد ؛ اینها عادی نیست. در دوران جنگ، بسیج نقش خود را ایفاء کرد. هم ارتش، هم سپاه قبول داشتند و اعتراف میکردند که حضور بسیج در همه‌ی بخشهای مختلف این جبهه‌ی طولانی و پرمشقت، یك حضور تعیین کننده است.

جنگ تحمیلی تمام شد ؛ سطحی‌نگرها خیال میکردند بسیج هم تمام شد ؛ اما بسیج ماند، چون مجاهدت باقی بود، چون میدان مجاهدت ادامه داشت. هر جا مجاهدت هست، در آنجا حضور بسیج هست ؛ مجاهدت در میدان علم، مجاهدت در میدان سیاست، مجاهدت در میدان فعالیتهای اجتماعی، مجاهدت در میدان وسیع و عرصه‌ی عظیم بین‌المللی. این مجاهدتها ادامه دارد و همچنان ادامه خواهد داشت.

معنای بسیج، توأم کردن ایمان و عمل است ؛ عمل مجاهدانه، نه صرفاً عمل شخصی. از نظر اسلام، ایمان مجرد از عمل، یك حداقل است. ایمان کامل و ایمان حقیقی آن ایمانی است که با جهاد در میدان عمل همراه باشد. «و الّذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل اللّه و الّذین آووا و نصروا اولئك هم المؤمنون حقّا» ؛ (3) مؤمن حقیقی آن کسی است که ایمان را با جهاد و هجرت و نصرت همراه میکند. تشخص بسیجی به این است. این فکر غلط و انحرافی که ما ایمان را منهای عمل و منهای جهاد، برای تقرب الی اللّه کافی بدانیم، این آیه و آیات زیادی آن را رد میکنند. بسیج، قائم به همین است که ایمان همراه با عمل، آن هم عمل مجاهدانه باشد. پس جهاد عرصه‌های مختلفی دارد که عرض شد.

تا امروز بسیج رشد داشته است. پیشرفت بسیج در ابعاد مختلف، همان پیشرفتی است که مورد انتظار هر کسی است که بسیج را میشناخت ؛ هم رشد کمّی داشته است، هم رشد کیفی و معنوی، هم ایستادگی در مقابل مزاحمها و معارضهای مؤثر در دل انسان و تکان‌دهنده‌ی دل انسان ؛ یعنی وسوسه‌ها. بسیج در این زمینه‌ها امتحان خود را داده است.

آنچه که برای همه‌ی ما، برای همه‌ی بسیجیان عزیز، برای جوانها در هر نقطه‌ای از این عرصه‌ی عظیم که مشغول کار هستند، باید به عنوان شاخص مطرح باشد، عبارت است از این سه عنصر: بصیرت، اخلاص، عمل بهنگام و به اندازه. این سه عنصر را همیشه با یکدیگر توأم کنید و در نظر داشته باشید. این عناصر سه‌گانه باید برای ما شاخص باشد ؛ بصیرت، اخلاص، عمل بهنگام و به اندازه.

آنچه که راه را مشخص میکند، بصیرت است. این سردار محترم و گرامی (4) خیلی درست گفتند که بسیجیان در قبال پیچیدگی اوضاع توانسته‌اند در ذهن خود و فکر خود و شخصیت خود پیچیدگی ایجاد کنند و بشناسند ؛ قضایای سال 88 این را نشان داد. ممکن بود خیلی‌ها اشتباه کنند و خیلی‌ها هم اشتباه کردند ؛ اگرچه اکثر آن کسانی که اشتباه کرده بودند، به فاصله‌ی کمی اشتباه را تصحیح کردند ؛ اما حرکت عظیم بسیج، این شاخص بصیرت و این پرچم بصیرت را برای خود حفظ کرد ؛ اشتباه نکرد ؛ همان طور که امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) فرموده بود: «لا یعرف الحقّ بالرّجال» ؛ با چهره‌ها نمیشود حق را تشخیص داد. یك چهره‌ی موجه محترم است، مورد قبول است، مورد تکریم است ؛ اما او نمیتواند شاخص حق باشد. گاهی چهره‌ی موجهی مثل بعضی از صحابه‌ی پیغمبر راه را عوضی میروند، اشتباه میکنند. باید حق را شناخت، باید راه را تشخیص داد تا بفهمیم این شخص حق است یا باطل. هر که از این راه رفت، حق است ؛ هر که از راه حق نرفت، مردود است. حق را باید شناخت. جماعت جوانِ مؤمنِ گردآمده‌ی در زیر سقف بسیج و پرچم بسیج، این بصیرت را نشان دادند ؛ نشان دادند بابصیرتند. بصیرت، عنصر اول است. در آینده هم باید همین جور باشد. قدرت تحلیل باید پیدا کرد، قدرت تشخیص باید پیدا کرد. امام - کسی که پدر همه‌ی این جریان بود، حق حیات به گردن جامعه و این حرکت عظیم داشت - فرمودند اگر من از اسلام جدا شوم، مردم از من رو برخواهند گرداند. شاخص، اسلام است ؛ شاخص، اشخاص نیستند ؛ این حرف امام (رضوان اللّه علیه) است. او به ما یاد داد که راه را تشخیص بدهیم، حرکت صحیح را تشخیص بدهیم، نقشه‌ی دشمن را بفهمیم و بخوانیم تا بتوانیم بفهمیم کدام کار در جهت دشمن و در خط دشمن است و کدام کار در ضد اوست. پس

بصیرت، عنصر اول است. بصیرت را نباید فراموش کرد.

عنصر دوم، اخلاص است. فرمود اگر کسی در میدان جهاد فی‌سبیل‌اللّه دنبال یك خواسته‌ی شخصی برود، دنبال غنیمت برود و کشته شود، شهید فی‌سبیل‌اللّه نیست. شرط شهادت و شرط مجاهد فی‌سبیل‌اللّه بودن این است که حرکت او فی‌سبیل‌اللّه باشد، للّه باشد ؛ یعنی اخلاص داشته باشد. انگیزه‌های شخصی، انگیزه‌های گروهی، انگیزه‌های فامیلی، رودربایستی‌های رفاقتی اگر در حرکت ما تأثیر گذاشت، این اخلاص را مشوب میکند، مشکل درست میکند. بی‌اخلاصی، یك جائی خودش را نشان خواهد داد.
عنصر سوم، عمل بهنگام و به اندازه است. لحظه‌ها را باید شناخت. اگر چنانچه انسان وقت‌شناس نباشد، نداند کدام کار را در کجا باید انجام داد، ممکن است خطاهای بزرگی از انسان سر بزند. خوب، جوانان بسیجی ما - از پسرها و دخترها - در بخشهای مختلف مشغول تلاش هستند ؛ تلاش فکری، تلاش علمی، تلاش سیاسی، تلاش اجتماعی ؛ همه‌ی اینها وقتی برای خدا و برای انجام وظیفه باشد، مجاهدت و جهاد فی‌سبیل‌اللّه است. بسیجی آن کسی است که این کارها را انجام میدهد. در همه‌ی اینها باید آن خط روشن و صحیح را در نظر گرفت ؛ یعنی خط انقلاب، خط حفظ نظام، خط احیای دین. اگر بخواهیم این سه عنصر را تأمین کنیم، باید در درون خودمان با خودمان مجاهدت کنیم ؛ یعنی جهاد اکبر. جهاد با نفس تلاشی است که امروز همه‌ی ما به آن احتیاج داریم.
آنچه که برای فهم درست قضایا لازم است، از جمله این است که ببینیم دشمن چه خطی را دارد دنبال میکند. امروز یکی از خطوط اصلی کار دشمن - که از عناصر مهم جنگ نرم به حساب می‌آید - این است که واقعیات را دگرگون جلوه دهد، حوادث گوناگون را دگرگون جلوه دهد. خود تبلیغاتی که دشمن در این زمینه انجام میدهد، نشانه‌ی ضعف اوست. دشمن هر جا که در میدان واقعیت دچار مشکل میشود و کم می‌آورد، بر حجم تبلیغات می‌افزاید. امروز اگر کسی کارهای دشمن را در عرصه‌ی عظیم شیوه‌های تبلیغاتی ملاحظه کند ؛ از وسائل اینترنتی گرفته تا وسائل صوتی و تصویری، تا بلندگوهائی که در جاهای مختلف دارند - در داخل هم دارند - می‌بیند یك قلم عمده این است که حوادث کشور را دگرگون جلوه دهند ؛ وضع کشور را مأیوس‌کننده، ناامید کننده، رو به زوال، رو به انحطاط، رو به بن‌بست نشان دهند. تلاش زیاد آنها در این زمینه، خود نشانه‌ی ضعف آنها در میدان واقعیت است.
دشمن در همه‌ی دوران سی ساله، این تلاش را داشت ؛ البته امروز بیشتر است. امروز چون مسئولین کشور و دولتی که بر سر کار است، شعارهای انقلاب را پررنگ‌تر و جدی‌تر مطرح میکند ؛ خط امام، خط انقلاب، خط کار برای مردم، امروز کاملاً برجسته و پررنگ است ؛ مسئولین احساس میکنند با مردمند، از جنس مردمند، مردم هم این را احساس میکنند، بنابراین تبلیغات بیشتر است. امروز اگر به تبلیغات دشمن نگاه کنید، می‌بینید اگر در مسائل اقتصادی اظهارنظر میکنند، همه‌ی حرفشان این است که بن‌بست است، گره ناگشودنی است، اشکالات فراوان است، فردا چنین خواهد شد. یك عده‌ای هم این مسائل را باور میکنند و همانها را در داخل تکرار میکنند. قبل از شروع انتخابات و آن قضایای فتنه، بعضی از کسانی که بعداً امتحان خودشان را در فتنه دادند، به ما مراجعه میکردند که آقا سال آینده، سال سختی است - یعنی همان سال 88 - از لحاظ اقتصادی چنین است، چنان است ؛ فضا را تنگ، تاریك، مشکل، غیر قابل عبور جلوه میدادند ؛ مسئولین را یك جور میخواستند دلسرد کنند، مردم را یك جور. این تبلیغات نشانه‌ی این است که آنها از این حرکت عظیم و پرشتابِ مسئولین و مردم عقب ماندند. پس اگر چنانچه این جهتگیری دشمن دانسته شد، نگاه انسان به واقعیت، نگاه درستی خواهد شد ؛ نگاه نافذی خواهد شد.
یا در زمینه‌ی سیاست خارجی، سیاست بین‌المللی، در بعضی از همین مطبوعات خودمان هم شما دیدید ؛ در اظهارات سال گذشته‌ی بعضی از اصحاب فتنه هم مشاهده کردید ؛ هی تکرار میکردند که آقا ما در دنیا ذلیل شدیم، جمهوری اسلامی در دنیا بی‌آبرو شده، بی‌ارزش شده، چه شده، چه شده. امروز وقتی به واقعیت نگاه میکنیم، می‌بینیم روزبه‌روز آبروی جمهوری اسلامی در میان ملتهای گوناگون دنیا - مسلمان و غیر مسلمان - افزایش پیدا کرده است. دشمنان ملت ایران این را میدانند، میفهمند، احساس میکنند ؛ البته کتمان میکنند.
همین قضیه‌ی سفر لبنان رئیس جمهور را چرا باید دست‌کم گرفت؟ حادثه‌ی مهمی بود. برای هر کشوری، بخصوص

برای سران استکبار اگر چنین چیزی اتفاق می‌افتاد، فصل بسیار گسترده‌ای در تبلیغات و در استنتاجهای سیاسی برای آن میگشودند. یك ملتی که با ما هم همسایه نیست، همه‌شان هم مسلمان نیستند ؛ ترکیبی از مسلمان و مسیحی، و مسلمانها هم ترکیبی از شیعه و اهل سنت ؛ این ملت با این ترکیب گوناگون و متنوع، اینجور یکپارچه بیایند از رئیس جمهور ملت ایران استقبال کنند، اظهار علاقه کنند ؛ این چیز کم‌نظیری است، چیز بی‌نظیری است ؛ برای هیچ کشوری در دنیا چنین چیزی پیش نمی‌آید. رئیس جمهور کدام کشوری وقتی به یك کشور دیگر برود، چنین حوادثی برایش پیش می‌آید؟ مخصوص لبنان هم نیست. امروز اگر مسئولین برجسته‌ی کشور ما به مصر هم بروند، اگر بگذارند، همین قضایاست ؛ سودان هم بروند، بگذارند، همین قضایاست ؛ به هر کشور اسلامی که بروند، اگر میدان را باز کنند، همین قضایاست. این، عظمت ملت ایران را نشان میدهد. این را شماها کردید. این افتخار مال شماست. اگر دولتی بود که از مردم منقطع بود، اگر دولتی بود که میلیونها جوان پرانگیزه از او حمایت نمیکردند، چنین اتفاقی نمی‌افتاد ؛ این مال شما جوانهاست. اما خوب، تبلیغات دشمن را ملاحظه کنید ؛ درست نقطه‌ی مقابل این است. آنجائی که مجبور باشند به زبان بیاورند، واقعیت را وارونه تفسیر میکنند ؛ آنجائی هم که مجبور نباشند، کتمان میکنند و اصل واقعیت را میپوشانند.

عین همین قضیه در مورد خود بسیج صدق میکند. دشمن در یك برهه‌ای - که امروز هم دنباله‌هایش کم و بیش هست - در تبلیغات گوناگون جهانی، علیه بسیج متمرکز شد. آنچه توانستند، گفتند. بسیج را بمباران تبلیغاتی کردند، برای اینکه او را از چشم مردم بیندازند، اما نتوانستند ؛ «یحقّ اللّه الحقّ بکلماته». (5) خدای متعال نمیگذارد این حقیقت روشن پنهان بماند ؛ لذا بسیج بحمداللّه روزبه‌روز آبرویش در کشور ما بیشتر شده است. در سرتاسر کشور، جوانها در بخشهای مختلف، به بسیج به چشم یك هویت درخشنده‌ی باعظمتِ مظهر عزم و اراده نگاه میکنند ؛ این را شما بسیجی‌ها بایستی تقویت کنید ؛ این را با توجه به همان سه عنصری که گفته شد - عنصر بصیرت، عنصر اخلاص، عنصر عمل بهنگام و به اندازه - تقویت کنید. افراط نباید باشد، تفریط هم نباید باشد. توجه کنید که افراط هم همان اندازه ضرر میزند که تفریط. عمل نکردن یقیناً مضر است، عمل افراط‌آمیز هم به همان اندازه مضر است ؛ مراقب باشید. شور انقلابی را اندکی نباید کاهش داد. انگیزه‌ی انقلابی باید روزبه‌روز در دلهای من و شما افزایش پیدا کند. این کوه‌های گوناگون مشکلاتی که بر سر راه مستضعفین عالم قرار دارد، جز با قدرت عزم و اراده‌ی پولادین مؤمن برداشته نخواهد شد. هدف فقط سر و سامان دادن به وضع کشور نیست. دنیای اسلام، بلکه جامعه‌ی بشریت نیازمند کمك به آنها از سوی اسلام و امت اسلامی است.

مشکلات زیادی در سر راه هست ؛ عزم و اراده لازم است، نگاه به دوردست لازم است. این عزم و اراده باید باقی بماند، این شور انقلابی باید روزبه‌روز افزایش پیدا کند. توسل و توجه به پروردگار، تمسك به اولیای الهی، راه عبادت، راه خشوع، راه تفکر بایستی به روی ما همیشه باز باشد ؛ خودمان را از این راه تقویت کنیم. این شور انقلابی باید باقی باشد، اما مواظب باشید این شور و هیجان انقلابیِ باارزش در جای خود مصرف شود - نابجا مصرف نشود - این احتیاج به تأمل، تفکر، آگاهی و بصیرت دارد.

شك نکنید که فردای ملت ایران و امت اسلامی از امروز بمراتب بهتر است. همان مقداری که فاصله‌ی بین سی سال پیش ملت ایران و امروز است - یعنی اول انقلاب تا امروز - ببینید ملت ایران در همه‌ی عرصه‌های سیاسی و علمی و اجتماعی و غیره چقدر پیشرفت کرده است ؛ بدانید فاصله‌ی بین پیشرفتِ سالهای آینده با امروز، از این هم بیشتر خواهد بود. ملت روزبه‌روز پیشرفت خواهد کرد. حرکت ملت ایران در همه‌ی عرصه‌ها حرکت توقف ناپذیری است و ان‌شاءاللّه بر خط درست و صراط مستقیم هدایت الهی و اسلامی و قرآنی پیش خواهد رفت. آینده‌ی ملت ایران، آینده‌ی روشنی است ؛ و این بر دنیای اسلام و بر امت اسلامی اثر خواهد گذاشت و ان‌شاءاللّه ملتهای مسلمان را روزبه‌روز بیدارتر خواهد کرد.

امیدواریم خداوند متعال فرج ولی‌عصر (ارواحنا فداه) را نزدیك بفرماید ؛ ما را از یاران آن بزرگوار در حضورش و در غیبتش قرار بدهد و قلب مقدس آن بزرگوار را از ما راضی کند. پروردگارا! دعای آن بزرگوار را شامل حال همه‌ی ملت ایران و بخصوص جمع عزیز بسیجیان بفرما.

والسّلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته

1) ابراهیم: 25
2) ابراهیم: 24 و 25
3) انفال: 74
4) سردار جباری (فرمانده سپاه علی‌بن‌ابی‌طالب قم)
5) یونس: 82